

## ادله عقلی و نقلی تعیین ملاک مسافت شرعی در فقه امامیه

مهدی مهدوی امین \*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۲)

### چکیده

حدّ تقصیر در «نماز مسافر»، از احکامی است که معلّل به دوشاخص شده است؛ به طوری که برخی روایات «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» و برخی دیگر «ثَمَانِيَةَ فَرَسَخٍ» یا «بَرِيدَانٍ» را ملاک «قصر صلاة» عنوان می کنند. حال مسأله این است که کدام ملاک به عنوان ملاک اصلی و کدامیک صرفاً برای تبیین و تطبیق شاخص اصلی بیان گردیده است؟ در این نوشتار با استعانت از مبانی کلامی، کلیت و شمول احکام در دین خاتم و تشریح احکام بر اساس توان نوع مردم و با اتکا بر روایات «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» و تحلیل دسته دیگری از ادله نقلی بر اینکه علت قصر صلاة، مشقت و سختی آن می باشد؛ به این نتیجه رسیدیم که ملاک اصلی حد تقصیر صلاة از نظر شارع، پیمودن یک روز راه است که در زمان ما ۸۵۰ کیلومتر می باشد.

### کلیدواژگان

حد تقصیر، مبانی کلامی، مسیره یوم، مشقت و سختی، نماز مسافر.

---

\* سطح عالی حوزه، استاد مؤسسه فقاها و تمدن سازی اسلامی، قم، ایران

رایانامه: mhdavi93mm@gmail.com

## مقدمه

انسانها در زمانها و مکانهای مختلفی زندگی می‌کنند. با ابزار و وسایل مختلفی سر و کار دارند و از آنها بهره می‌جویند. همچنین نیازهایی دارند که همواره برای رفع آنها می‌کوشند. یکی از نیازهایی که بشر همواره بدان مبتلا بوده است، نیاز به سیر و سفر است. سیر و سفر برای تجارت، زیارت، سیاحت و ...

در هر زمان و مکانی سفر کردن با وسیله و سرعتی خاص صورت می‌پذیرفت. در زمان تشریح دین اسلام، عمدتاً مسافرت‌ها با چهار پایان انجام می‌شد؛ به گونه‌ای که در طول یک روز، مسافتی حدود ۵ الی ۱۵ فرسخ قابل پیمودن بود. شارع مقدس نیز در آن زمان، حدّ وسط طیّ مسافت را که از طریق کاروانهای عمومی پیموده می‌شد، به عنوان حد مسافرت شرعی قرار داد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱ ص ۴۳۴) و برای آن دو ملاک معرفی کرد: یکی مسافتی که در یک روز پیموده می‌شود و دیگری پیمودن هشت فرسخ (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱ ص ۲۲۵)

این دو ملاک در زمان تشریح از نظر مصداق، با هم یکسان بودند. لکن با گذشت زمان و پیشرفت تکنولوژی و روی کار آمدن خودروهای پرسرعت، این دو ملاک اختلاف زیادی باهم پیدا کردند؛ به گونه‌ای که مسیری که امروزه در یک روز می‌توان پیمود، حدود ۴۰ برابر هشت فرسخی است که در روایات تعیین شده است!

حال باید پرسید ملاک اصلی در حد تقصیر کدام است؟ آیا هشت فرسخ، ملاک اصلی است؟ یا اینکه هشت فرسخ صرفاً برای تطبیق عددی طیّ مسیر در یک روز کامل بیان شده است؟ با توجه به اختلاف چشمگیر این دو ملاک، چرا فقهای گذشته در این مساله اختلافی نداشته‌اند؟

در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤالات هستیم. ابتدا به سراغ ادله عقلی می‌رویم و کیفیت تأثیر مبانی کلامی در بحث‌های فقهی را نمایان می‌کنیم؛ چرا که متأسفانه یکی از خلأهای ما در عرصه فقاهت این است که گرچه از نظر فکری همه قبول دارند که مبانی کلامی در فقه تأثیرات چشمگیری دارد، لکن در مقام استنباط بهره‌چندانی از آن نمی‌برند. بعد از این مرحله، ملاک‌ها را در ادله نقلی برمی‌رسیم و در ادامه از قراین تأثیرگذار بحث می‌کنیم و در انتها نیز به تحلیل اقوال علما می‌پردازیم.

## تبیین مساله

برخی از احکام الهی، به دو شاخص معلل شده اند، که در زمان تشریح گرچه در مصداق متحد بودند، لکن با کمی تأمل آشکار می شود که از نظر مفهومی با هم متفاوتند و در برخی از موارد، با اختلاف در زمان یا مکان، اختلاف مصداقی آنها نیز نمایان می گردد. حال مطلب قابل تأمل این است که کدامیک از این دو ملاک «عنوان مُشیر» برای دیگری است. به بیان ساده تر باید کشف کنیم کدام ملاک به عنوان ملاک اصلی و کدامیک صرفاً برای تبیین و تطبیق شاخص اصلی بیان شده است؟

حدّ تقصیر در نماز مسافر یکی از این احکام است. حدّ تقصیر در نماز مسافر با دو شاخص بیان شده است به طوری که در برخی از روایات «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» و در برخی دیگر «ثَمَانِيَةُ فَرَسَخٍ» یا «بَرِيدَانِ» عنوان شده است.

مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَزِيدَ بْنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ قَالَ فَقَالَ فِي بَرِيدَيْنِ أَوْ بَيَاضِ يَوْمٍ (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱ ص ۲۲۵)

«ابی ایوب می گوید از امام(ع) درباره حدی که نماز شکسته می شود پرسیدم. ایشان گفتند: در مسافت ۸ فرسخی یا یک روز راه شکسته می شود.»

أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ كَمْ يُقْصِرُ الصَّلَاةَ فَقَالَ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ بَرِيدَانِ وَ هُمَا ثَمَانِيَةُ فَرَسَخٍ (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱ ص ۲۲۲)

«سماعه می گوید از امام صادق علیه السلام درباره مقداری که نماز مسافر شکسته می شود پرسیدم. ایشان گفتند که به اندازه یک روز راه که در واقع دو برید هست شکسته می شود و دو برید هم هشت فرسخ می شود.»

قبل از بررسی أدله، ذکر این نکته لازم است که این نوشتار به دنبال تغییر حکم یا تشریح حکم جدید نیست؛ بلکه غرض تنها، تعیین اصالت یکی از دو شاخصی است که خود شارع بیان نموده است. از این منظر می توان گفت شیوه کار، نگاه عمیق اجتهادی به ظهور روایات می باشد و این

چنین نیست که به دنبال تبیینی عقلی برای تشریح حکم جدید باشیم. از این رو هر آنچه ذیلاً بیان می‌شود ادله یا قرائنی است که یکی از دو شاخص موجود در روایات را بر دیگری ترجیح می‌دهد.

## ادله عقلی

### کلیت و شمول احکام در دین خاتم

قانون باید بر اساس نیاز و اقتضائیات زمان و مکان وضع گردد تا مشمولین قانون بتوانند بدان ملتزم باشند. مثلاً قانونی که در یک زمان خاص، برای مردم یک کشور وضع می‌شود؛ باید با نیازها و امکانات همان کشور متناسب باشد و لازم نیست آن قانون در کشورهای دیگر یا در زمانهای دیگر نیز قابلیت اجرا داشته باشد. اما زمانی که می‌خواهیم برای تمام کشورها آن هم در تمامی زمانها قانونی وضع کنیم، باید شرایط همه‌ی آنها را لحاظ کنیم تا در اجرای قانون مانع و مشکلی پیش نیاید.

بنابراین دینی هم که مدعی خاتمیت و ابدیت است و هدایت کل جهان را در تمامی زمانها هدف خود می‌داند به طریق اولی باید به این قاعده پایبند باشد و زمانی می‌تواند در ادعای خود صادق باشد که ظرفیت‌ها، امکانات و پیشرفت‌های عمومی بشر را لحاظ کرده؛ قوانینی قابل اجرا برای همه‌ی زمانها و مکانها ارائه دهد. این قاعده یکی از آثار فقهی مبنای کلامی "هماهنگی نظام تکوین و تشریح" می‌باشد.

فلذا در مواردی که برای یک حکم دو موضوع با دو عنوان متفاوت وجود داشته باشد که به واسطه گذشت زمان یا تغییر مکان، آن دو عنوان از حیث مصداقی نیز با هم متغایر شوند، موضوع منعطف را مقدم می‌کنیم؛ یعنی موضوعی که قابلیت شمول بر همه زمانها و مکانها را داراست. در مقابل، موضوع غیر منعطف را از باب تطبیق موضوع منعطف در عصر تشریح تلقی می‌کنیم.

طی کردن یک روز راه شاخصی قابل انطباق بر ادوار گوناگون تاریخ است. امروزه علاوه بر اینکه طی کردن یک روز راه، از لحاظ عرفی مسافرت محسوب می‌شود، با مشقت و سختی همراه و با تعلیل روایات قصر صلاه نیز سازگار است. در مقابل هشت فرسخ نه تنها از لحاظ عرفی مسافرت محسوب نمی‌شود، بلکه هیچ تعب و نصبی در آن نبوده، شاخص قرار دادن آن با ظهور

روایات و تعلیل های وارده نیز سازگاری ندارد. از این رو در نماز مسافر موضوع منعطف یعنی «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» که قابلیت اجرا در تمامی زمانها و مکانها را داراست بر موضوع غیر منعطف (هشت فرسخ) مقدم می کنیم.

پس از بیان این قاعده عقلی به سراغ روایات می رویم تا ملاک فوق را در روایات بسنجیم. مشاهده خواهید کرد که روایات نیز بر قاعده فوق صحه گذاشته اند و «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» که قابلیت تطبیق بر تمامی اعصار دارد را ملاک اصلی تقصیر بیان می کنند.

## ادله نقلی

### ظهور عرفی روایات بر مَسِيرَةُ يَوْمٍ

(الف) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ فِي الصَّلَاةِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ لِي صَيْعَةً قَرِيبَةً مِنَ الْكُوفَةِ وَ هِيَ بِمَنْزِلَةِ الْقَادِسِيَّةِ مِنَ الْكُوفَةِ - فَرُبَّمَا عَرَضَتْ لِي الْحَاجَةُ أَنْتَفِعَ بِهَا أَوْ يَضُرُّنِي الْفُغُودُ عَنْهَا فِي رَمَضَانَ - فَأَكْرَهُ الْخُرُوجَ إِلَيْهَا لِأَنِّي لَا أَذْرِي أَصُومُ أَوْ أَفْطِرُ فَقَالَ لِي فَاخْرُجْ وَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ وَ صُمْ فَإِنِّي قَدْ رَأَيْتُ الْقَادِسِيَّةَ فَقُلْتُ لَهُ فِي كَمْ أَدْنَى مَا تُقْصِرُ فِيهِ الصَّلَاةُ قَالَ جَرَتْ السُّنَّةُ بِبَيَاضِ يَوْمٍ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ بَيَاضَ يَوْمٍ يَخْتَلِفُ فَيَسِيرُ الرَّجُلُ حَمْسَةَ عَشَرَ فَرَسَخًا فِي يَوْمٍ وَ يَسِيرُ الْآخَرُ أَرْبَعَةَ فَرَسَخٍ وَ حَمْسَةَ فَرَسَخٍ فِي يَوْمٍ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ إِلَيَّ ذَلِكَ يُنْظَرُ أَمَا رَأَيْتَ سَيْرَ هَذِهِ الْأَمْبِيَالِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ ثُمَّ أَوْمَى بِيَدِهِ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ مِيلاً تَكُونُ ثَمَانِيَةَ فَرَسَخٍ. (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۲۲۲)

ابن حججاج از امام صادق(ع) درباره شکسته شدن نماز می پرسد: «باغی نزدیک کوفه دارم که مسافت آن به اندازه قادسیه تا کوفه است. لازم است برای باغداری به آنجا بروم. اما در ماه رمضان اکراه قلبی برای رفتن دارم و وظیفه ام را نمی دانم.»

امام(ع) وظیفه او را اتمام نماز و گرفتن روزه بیان می کند. ابن حججاج در سوال بعدی از ملاک شکسته شدن نماز می پرسد «فِي كَمْ أَدْنَى مَا تُقْصِرُ فِيهِ الصَّلَاةُ؟» حضرت در مقام بیان قاعده و ملاک اصلی برای تقصیر می فرماید: «جَرَتْ السُّنَّةُ بِبَيَاضِ يَوْمٍ» یعنی یک روز راه ملاک تقصیر است. ابن حججاج می پرسد: «إِنَّ بَيَاضَ يَوْمٍ يَخْتَلِفُ فَيَسِيرُ الرَّجُلُ حَمْسَةَ عَشَرَ فَرَسَخًا فِي يَوْمٍ وَ يَسِيرُ الْآخَرُ أَرْبَعَةَ فَرَسَخٍ وَ حَمْسَةَ فَرَسَخٍ فِي يَوْمٍ» یعنی یک روز راه مختلف است، شخصی در یک روز راه، پانزده فرسخ طی

می‌کند، شخصی چهار فرسخ و دیگری پنج فرسخ! همین طور که در زمان ما هم همین مسئله وجود دارد. در یک روز، بعضی ها با وسایل نقلیه تندروتر و با سرعت بیشتر مسافرت می‌کنند و یا بعضی ها توقفشان کم است بعضی دیگر بیشتر و... که مجموعاً باعث می‌شود که یک روز راه، چندان ضابطه مند و مشخص نباشد. امام(ع) هم برای اینکه یک روز راه را منضبط کنند تا هر کس بر اساس سلیقه و توان شخصی خود تعیین مقدار نکند، پاسخ می‌دهند: «إِنَّهُ لَيْسَ إِلَى ذَلِكَ يُنْظَرُ أَمَا رَأَيْتَ سَيْرَ هَذِهِ الْأُمِّيَّالِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ ثُمَّ أَوْمَى بِيَدِهِ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ مِيَالًا تَكُونُ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ» اینگونه حساب نمی‌کنند! سیر این میل ها بین مکه و مدینه را ملاک قرار بده که هشت فرسخ می‌شود.

انتخاب هشت فرسخ از سوی امام(ع)، تعبدی و یا بدون دلیل نیست بلکه حضرت ملاک را میزان مسافت طی شده توسط کاروانهای عمومی در یک روز قرار دادند. روایت زیر به این مطلب تصریح می‌کند:

وَ سَمِعَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْكَاهِلِيُّ يَقُولُ فِي التَّقْصِيرِ فِي الصَّلَاةِ بَرِيدٌ فِي بَرِيدٍ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرُونَ مِيَالًا ثُمَّ قَالَ كَانَ أَبِي (ع) يَقُولُ إِنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى الْبُعْلَةِ السَّفْوَاءِ وَ الدَّابَّةِ النَّاجِيَةِ وَ إِنَّمَا وَضِعَ عَلَى سَيْرِ الْقَطَارِ. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱ ص ۴۳۴)

«عبدالله بن یحیی الکاهلی می‌گوید که از امام(ع) درباره شکسته شدن نماز شنیدم که حد آن دو برید یا همان ۲۴میل است. سپس امام(ع) گفت: پدرم همیشه می‌گفت که در شکسته شدن نماز، استر راهوار یا اسب تندرو مد نظر نیست، بلکه این ملاک با توجه به حرکت کاروانهای عمومی شتران وضع شده است»

این پاسخ کسانی است که می‌پرسند اگر هشت فرسخ موضوعیت نداشت چرا امام(ع) از بین مقادیر مختلف، هشت فرسخ را انتخاب نمود و تصور می‌کنند که این مطلب، نشان از تعبدی بودن این مقدار یا لاقابل بیانگر این نکته است که در هشت فرسخ (۲۴ میل) خصوصیت ویژه‌ای وجود دارد.

نکته‌ی دیگری که در بیان امام(ع) باید مورد توجه باشد، این عبارت است که می‌فرمایند: «آیا سیر امیال را ندیدی؟!» در حالی که امیال سیری ندارد که دیده شود! این مطلب نشانگر آن است که

امام(ع) حرکت خاصی را مد نظر قرار داده اند که مردم با آن به مقدار هشت فرسخ سیر می کنند. این مقدار دارای دو ویژگی است:

۱. نبودن اختلاف معتنا به در آن: چراکه راوی در ابتدا به اختلافی بودن یک روز راه اشاره کرد و امام(ع) فرمودند اینگونه حساب نمی کنند و به سیر امیال اشاره کردند. پس باید امام در جواب سیری را بیان کنند که راوی را از سردرگمی خارج کند و اختلاف زیادی در آن نباشد.

۲. مشخص بودن آن برای راوی: زیرا راوی پس از بیان امام، سوال نمی کند که سیر امیال چه نوع سیری است؟! با توجه به ویژگی های فوق می توان گفت سیری که اختلاف چندانی در آن نیست و راوی هم آن را می شناسد، همان سیر کاروانهای عمومی است. البته علاوه بر نکته فوق نسخه بدل این روایت هم مؤید این قول است که در آن به جای «امیال»، «اُنْقَال»- به معنای کاروانها - آمده است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۷ ص ۱۳۲)

ب) ذَكَرَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْعِلَلِ الَّتِي سَمِعَهَا مِنَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ..... إِنَّمَا وَجِبَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخٍ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ لِأَنَّ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ مَسِيرَةٌ يَوْمًا لِلْعَامَّةِ وَالْقَوَائِلُ وَالْأَنْقَالُ فَوْجِبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ لَوْ لَمْ يَجِبْ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ لَمَا وَجِبَ فِي مَسِيرَةِ أَلْفِ سَنَةٍ. (ابن بابويه، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۵۵)

«فضل بن شاذان نیشابوری در ذکر عللی که از امام رضا (ع) شنیده است نقل می کند: ... شکستن نماز در ۸ فرسخ واجب شده است نه کمتر و نه بیشتر از آن. چرا که ۸ فرسخ مسافتی است که عموم مردم و قافله ها و باربران در طی یک روز طی می کنند، به همین سبب شکستن نماز و افطار روزه در مسافت یک روز راه واجب شده است که اگر در مسافت یک روزه واجب نشود در مسیر هزار ساله هم واجب نخواهد شد!»

در این روایت امام(ع) می فرماید تقصیر در هشت فرسخ واجب می شود نه کمتر و نه بیشتر از آن؛ زیرا هشت فرسخ، مسیر یک روز راه برای عموم مردم و قافله ها و سنگین باران است. امام(ع) می فرمایند در هشت فرسخ نماز شکسته می شود. پس از آن به بیان ملاک اصلی شکسته شدن نماز - که در آن زمان هشت فرسخ می شد - اقدام نموده و می فرمایند: «تقصیر در

این مقدار واجب شد، زیرا قافله های عمومی و سنگین بارها در یک روز، هشت فرسخ طی می کنند. « بنابراین هشت فرسخ موضوعیت ندارد، بلکه شارع این مسافت را به عنوان تطبیق یک روز راهی که کاروانها طی می کردند بیان کرده است. ادامه روایت دلیل دیگری بر ملاک اصلی بودن مسیره یوم است.

از آنجا که بعضی از علمای عامه قائل به پیمودن دو یا سه روز راه برای شکسته شدن نماز مسافر هستند: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْحَزَّازِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ وَ أَبِي عِنْدَ وَالِ لِيْنِي أُمِّيَّةٌ عَلَى الْمَدِينَةِ إِذْ جَاءَ أَبِي فَجَلَسَ فَقَالَ كُنْتُ عِنْدَ هَذَا فُبَيْلٌ فَسَأَلْتُهُمْ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ فِي ثَلَاثٍ وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ يَوْمٌ وَ كَيْلَةٌ وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ رَوْحَةٌ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۴۳۲) حضرت در مقام رد قول آنها به ملاک اصلی اشاره کرده و می فرمایند: «تقصیر در یک روز راه واجب شده است نه بیشتر» اگر هشت فرسخ موضوعیت داشت، حضرت در مقام رد قول ایشان به آن اشاره می نمود و مثلاً می فرمود حد تقصیر به پیمودن مسیر در روز نمی باشد که اختلاف شود یک روز یا بیشتر. بلکه ملاک آن هشت فرسخ است.

(ج) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَظْقِينِ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَظْقِينِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ الْأَوَّلَ ع عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِي السَّفَرِ وَ هُوَ مَسِيرُهُ يَوْمٌ قَالَ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ إِذَا كَانَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَ إِنْ كَانَ يَدُورُ فِي عَمَلِهِ (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۲۵)

«علی بن یقظین می گوید از امام رضا(ع) درباره شخصی که به سفر می رود و مسافتش هم یک روز راه است پرسیدم. امام(ع) گفت: اگر مسافت یک روز راه باشد باید نمازش را شکسته بخواند، هرچند که به خاطر کارش، در حال گردش باشد.»

(د) زُوِيَّ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ كَيْفَ هِيَ وَ كَمْ هِيَ فَقَالَ .... وَ قَدْ سَأَفَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى ذِي حِشْبٍ وَ هِيَ مَسِيرَةُ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مِيلاً فَفَصَّرَ وَ أَفْطَرَ فَصَارَتْ سُنَّةً... (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۳۴)

«زراره و محمد بن مسلم می گویند که از امام باقر(ع) درباره کم و کیف نماز در سفر سؤال کردیم. ایشان در پاسخ گفت: ... پیامبر(ص) به ذی حشب که به اندازه یک روز راه یا دو برید یا



۲۴ میل از مکه فاصله دارد، سفر کردند و نماز خود را شکسته خواندند و روزه را افطار نمودند. و این مقدار در حد تقصیر نماز سنت شد.»

در این احادیث نیز مانند روایات گذشته، حضرات معصومین (علیهم السلام) ملاک تقصیر را پیمودن یک روز راه بیان می فرمایند.

پس از تبیین و توضیح روایاتی که ملاک اصلی قصر صلاه را "مَسِيرَةُ يَوْمٍ" بیان کردند، به سراغ نوع دوم ادله نقلی می رویم. ادله ای که علت شکسته شدن نماز و روزه را مشقت و سختی آن در سفر میدانند و این حکم را هدیه و تخفیفی از طرف خداوند متعال بیان می کنند. سپس با در نظر داشتن علت مذکور به سراغ دو ملاک بیان شده برای تقصیر - مَسِيرَةُ يَوْمٍ و هشت فرسخ - می رویم تا مشخص شود علت حکم در کدامین ملاک همچنان باقی می باشد.

### تعلیل قرآن بر مشقت و سختی

اقتضای حکمت الهی هماهنگی میان نظام تکوین و تشریح و از جمله لوازم مشخص هماهنگی نظام تکوین و تشریح، مراعات و سع مخلوقات در نظام تشریح است (بقره: ۲۸۶؛ طلاق: ۷)؛ یعنی قوانین باید در حد و اندازه توانایی های مکلفین باشد؛ وگرنه نقض غرض لازم می آید؛ چراکه تکلیف طاقت فرسا و بیش از تحمل آدمیان، به آنان آسیب می زند و مانع به فعلیت رسیدن استعدادشان می گردد. مراعات و سع مخلوقات همان نفی حرج از آنان می باشد، که در چند آیه از قرآن به آن اشاره شده است (مائده: ۶؛ حج: ۷۸). برای مراعات و سع مخلوقین، شارع نمی تواند برای هر شخصی به حسب توانائیش به طور جداگانه حکم خاصی تشریح نماید. بنابر این باید تشریح احکام بر اساس و سع نوع مردم باشد.

به بیانی دیگر هر قانونی که برای حفظ منافع عمومی وضع شود، در تضاد با منافع برخی از افراد جامعه است و به طور طبیعی اعتراض می کنند. با این حال، قانون گذار ناچار است مصلحت عموم را در نظر بگیرد. اگر بنا باشد که قانون گذار به جزئیات بیندیشد و پشت سر هم قانون را استثنا بزند، هدف از قانون که ایجاد نظم و هماهنگی است، تحقق نمی یابد. بنابراین قانون گذار باید کل جامعه را به عنوان یک واحد در نظر بگیرد و با نگاه به مصلحت عمومی قانون وضع کند و

اقلیت متضرر نیز باید آن را جزء هزینه‌های زندگی اجتماعی قلمداد کنند. این حقیقت، در تقنین و تشریح دین نیز مشاهده می‌شود. مثلاً شارع نمی‌تواند برای افراد مختلف با طاقت‌های متفاوت، روزه‌های مختلف تشریح کند. از این رو در تشریح احکام، متوسط طاقت انسانی را لحاظ می‌کند. امام رضا(علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید «عبادات واجب بر اساس طاقت ضعیف‌ترین افراد سالم، واجب گردیده و سپس عمومیت داده شده و اشخاص قوی را نیز شامل گردیده است». (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۱۷)

نهایتاً به این نتیجه می‌رسیم که در وضع قوانین اجتماعی نظر به اکثریت است و اقلیت نیز باید تبعیت کند؛ وگرنه هیچ قانونی نه محقق می‌شود و نه اجرا. و به استثنائات نیز نباید توجه کرد. چنانکه نوشیدن مسکرات، حتی برای کسانی که مست نمی‌شوند، حرام است. خداوند متعال در سوره مبارکه بقره، سختی و مشقت روزه گرفتن برای مسافر و مریض را علت برداشته شدن حکم آن بیان می‌کند.

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره : ۱۸۵)

«پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزه‌های دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را!» (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

از آنجا که بین نماز و روزه مسافر تلازم برقرار است؛ یعنی هر کجا نماز شکسته شود روزه هم برداشته می‌شود و بالعکس<sup>۱</sup>، به همین جهت گرچه حکم این آیه در رابطه با روزه است ولی شامل نماز نیز می‌شود.

در اینجا عسر و حرج، که یکی از قواعد مسلم عقلائی و فقهی تلقی می‌گردد، واقعا علت حکم است و ظاهر آیه نیز مؤید همین معناست. این بر خلاف تصور شایع است که آن را صرفاً

۱. موارد استثناء هم وجود دارد؛ مثل سفر بعد از نماز ظهر و عصر، که نماز شکسته می‌شود ولی روزه را باید گرفت.

حکمت می‌دانند و تنها دلیلشان بر این مطلب با وجود صراحت آیه، تخلف علت از معلول در برخی مصادیق است. در واقع قائلین به حکمت بودن عسر و حرج این طور استدلال می‌کنند که در زمان خود شارع، هشت فرسخ را اغلب افراد در یک روز می‌پیمودند و این، یک مسافرت حرجی و سخت به حساب می‌آمد. با این حال در همان زمان هم برخی اشخاص، یا به دلیل توانمندی‌های شخصی و یا برخورداری از مرکب‌های راهوار، مسافت شرعی را در مدت کمتری طی می‌کردند و خسته هم نمی‌شدند یا دست‌کم به حرج نمی‌افتادند. با این حال این حکم شامل آنها هم می‌شد و نباید روزه می‌گرفتند؛ در حالی که اگر حرج علت رفع روزه از مسافر باشد، چون برای او حرجی نداشته است، نباید روزه‌اش را افطار کند. همین مطلب نشانگر آن است که حرج علت افطار نیست؛ وگرنه تخلف نمی‌کرد. بنابراین حرج چیزی جز حکمت نیست!

علت این تحلیل و حکمت دانستن تعب و نصب، غفلت از دأب شارع در تشریح احکام بر اساس غلبه نوعی است. همانطور که گفتیم استثناها، علیت حرج را مخدوش نمی‌کنند؛ زیرا که غلبه و اکثری بودن حکم کافی است، و علت، تابع غلبه است؛ یعنی تا زمانی که علت حکم در اکثر افراد جامعه باشد، حکم نیز شامل همه است. بنابراین حکم زمانی منتفی می‌شود که «غلبه» افرادی را از دست بدهد. بدین ترتیب، چون امروزه هشت فرسخ راه، منجر به عسر و حرج نمی‌شود، حکم آن نیز مرتفع می‌گردد.

### تعلیل روایات بر تعب و نصب

الف) كَرَّ الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ النَّيْسَابُورِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْعَلَلِ الَّتِي سَمِعَهَا مِنَ الرِّضَا ع- إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا قُضِرَتْ فِي السَّفَرِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ أَوْلَىٰ إِنَّمَا هِيَ عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ السَّبْعُ إِذَا زِيدَتْ فِيهَا بَعْدُ فَخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنِ الْعَبْدِ تَلْكَ الزِّيَادَةَ لِمَوْضِعِ سَفَرِهِ وَ تَعْيِهِ وَ نَصَبِهِ وَ اشْتِغَالِهِ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَ طَعْنِهِ وَ إِقَامَتِهِ لِمَا لَا يَشْتَغِلُ عَمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَعَطُّفًا عَلَيْهِ... (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۵۴)

«فضل بن شاذان نیشابوری - رحمه الله - در عللی که برای شکسته شدن نماز در سفر از امام رضا علیه السلام شنیده است یاد آور شده که آن حضرت فرمود: اینکه نماز در سفر کوتاه و شکسته شده بدین جهت است که نماز واجبی که خداوند متعال در ابتدا بر خلائق مقرر فرمود تنها

ده رکعت بود، سپس هفت رکعت دیگر نیز (بوسیله پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن افزوده شد، پس خداوند عزّ و جلّ آن هفت رکعت زیادتی را (یعنی اکثر آن را که شش رکعت باشد) از بندگان ساقط فرمود بخاطر وضع خاصی که سفر دارد و رنج و مشقت آن که مسافر بکارهای خود می‌پردازد و باید بار بردارد و در جایی فرود آید و منزل گزیند که لازمه سفر است، تا از اموری که ناگزیر برای معاش خود باید مسافر بدان پردازد باز نماند، و این ناشی از رحمت و مهربانی خداوند عزّ و جلّ بر بندگان خویش است...» (ترجمه من لایحضره الفقیه، نشر صدوق)

امام رضا(ع) در این روایت در مقام بیان علت تخفیف در تعداد رکعات نماز، ایجاد خستگی مفرط در سفر را مطرح می‌فرماید. البته همانطور که در بالا اشاره شد، این بدان معناست که طی مسافت شرعی برای غالب افراد همراه با تعب و نصب بوده است، به همین خاطر حکم نماز و روزه با تخفیف ابلاغ شده است.

(ب) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مِجْلَبٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ فَلَهُ أَنْ يُصِيبَ مِنْهَا بِالنَّهَارِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تَعْرِفُ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ لَهُ فِي اللَّيْلِ سَبْحًا طَوِيلًا فَلْتُ أَكُلْ وَ يَشْرَبْ وَ يُقَصِّرَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ رَخَّصَ لِلْمُسَافِرِ فِي الْإِفْطَارِ وَ التَّقْصِيرِ رَحْمَةً وَ تَخْفِيفًا لِمَوْضِعِ التَّعَبِ وَ النَّصَبِ وَ وَعَثَ السَّفَرِ (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۳۴)

«ابن سنان می‌گوید از امام صادق(ع) درباره شخصی پرسیدم که در ماه رمضان به سفر رفته است و کنیزی نیز به همراه دارد. آیا جائز است که در طول روز با او آمیزش داشته باشد؟ امام(ع) گفتند: پاک و منزه است خداوند متعال! مگر از حرمت ماه رمضان اطلاع نداری؟ برای وی در طول شب فرصت و فراغتی طولانی است. در ادامه من پرسیدم: مگر شخص نمی‌تواند در طول روز بخورد و بیاشامد و نمازش را شکسته بخواند؟ امام(ع) گفت: خداوند متعال از باب رحمت و تخفیف، اجازه می‌دهد شکستن نماز و افطار را به مسافر داده است، چرا که سفر با خستگی و مشقت و گرفتاریهای راه همراه است...»

در این روایت نیز مانند روایت قبلی، امام صادق(ع) تقصیر در صلاه را رحمت و تخفیفی از جانب خدا می‌داند که علت این تخفیف، تعب و نصب و سختی سفر است.

ج) عَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: فُلْتُ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ بِعَرَفَاتٍ قَالَ وَيَلْتَمِسُونَ أَوْ وَيُجْهِمُونَ وَأَيُّ سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ لَا تُتِمُّ (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۲۱۰)

«معاویه بن عمار نقل می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم مکه وقتی به عرفات می روند نمازشان را تمام می خوانند! امام(ع) فرمود: وای بر ایشان! کدام سفر سخت تر از سفر عرفات است! نباید تمام بخوانی!»

معاویه بن عمار به امام صادق(ع) عرض می کند: اهل مکه نمازشان را در عرفات کامل می خوانند. حضرت در جواب به علت تقصیر صلاة (مشقت و سختی) اشاره کرده و می فرمایند: وای بر آنها، کدام سفر از این سفر (از مکه تا عرفات) سخت تر است. نباید نمازشان را تمام بخوانند!

همانگونه که در آیه و روایات فوق مشاهده شد، شارع مقدس علت رفع حکم روزه و تقصیر نماز در سفر را، سختی و مشقت آن بیان کرده است. اما آیا هشت فرسخ سفر کردن در زمان ما، برای غالب افراد تعب و نصب دارد تا خداوند به خاطر تسهیل و تخفیف به آنها امر کند نمازشان را تقصیر و روزه شان را افطار نمایند؟! لکن در ملاک دیگر که "مَسِيرَةُ يَوْمٍ" می باشد، مانند زمان تشریح، تعب و نصب وجود دارد. و نه تنها در این زمان، بلکه در همه ی زمانها و با پیشرفت هرچه بیشتر تکنولوژی و وسایل سفر، بازهم خود یک روز در راه بودن مشقت داشته و تخفیف و تسهیل شارع را می طلبد.

## قرائن عقلی و نقلی

### قرینه نقلی

وَ فِي الْحُضَائِلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيَّ وَ إِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً لَمْ يُهْدِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ كِرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَنَا قَالُوا وَ مَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ الْإِفْطَارُ فِي السَّفَرِ وَ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَ جَلَّ هَدِيَّتَهُ. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۵۲۰)

«از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که خدای تبارک و تعالی برای من و امتم هدیه ای

فرستاده است که به هیچ یک از امتهای سابق نداده است، و این لطف و کرامتی از جانب خداوند متعال است. پرسیدند که آن هدیه چیست؟ پیامبر(ص) گفت: افطار روزه و شکستن نماز در حال مسافرت، که هرکس آنرا نپذیرد، هدیه و ارمغان الهی را رد کرده است!!»

در ذهن متشرعه، نماز ستون دین و روزه یکی از بزرگ‌ترین و پر اهمیت‌ترین احکام است. این دو حکم بزرگ الهی زمانی مرتفع یا قصر می‌شوند که وجهی برای هدیه وجود داشته باشد. از آنجا که مسافرت از سنخ مسائل عقلاییست و عقلاء فهم جامعی از آن دارند، وقتی شارع، کم شدن دو رکعت از نماز در سفر را هدیه و لطفی از جانب خود معرفی می‌کند؛ ارتکاز مخاطبان حدیث این می‌شود که به خاطر سختی و مشقت‌های راه، از حجم نماز کاسته و جواز افطار روزه صادر شده است. این ارتکاز از هدیه بودن تقصیر و افطار، قرینه‌ای بر ترجیح ملاک «یک روز راه» است.

### قرینه عقلی

#### تلقی عرف از مسافرت

یکی دیگر از قرائن در ترجیح ملاک «یک روز راه»، تلقی عرف از مسافرت است؛ چراکه تشخیص مصادیق احکام شرعی به دست عرف سپرده شده است. مثلاً شارع مقدس در مورد کفاره فرموده است: «من أوسط ما تطعمون أهليكم».

«أوسط» طعام در هر روزگاری با روزگار دیگر متفاوت است و نمی‌توان «أوسط» طعام زمان رسول خدا را ملاک قرار داد و گفت امروزه نیز صرفاً یک مد جو و گندم میزان کفاره است! چرا که امروزه اوسط طعام نوع مردم، یک مد جو یا گندم نیست؛ بلکه اینها در نزد مردم از نازل‌ترین غذاها به حساب می‌آیند!

مسأله نماز مسافر هم از جهتی همین‌گونه است. اساساً امروزه به ۲۰ دقیقه سیر با ماشین، مسافرت اطلاق نمی‌شود و کسی که مثلاً تا شهرک پردیسان یا کهک در استان قم سفر می‌کند خودش را مسافر نمی‌داند و دیگران هم نمی‌گویند که او به مسافرت رفته است! عدم اطلاق عرفی مسافرت به هشت فرسخ، قرینه‌ای دیگر است بر ترجیح شاخص یک روز راه.

شاید برای خوانندگان این پرسش مطرح شود که اگر ملاک اصلی از نظر شارع «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» است. چرا بیشتر روایات در مورد هشت فرسخ راه صادر شده‌اند؟!

در پاسخ باید گفت طبیعی است بعد از تطبیق قاعده‌ی کلی بر مصداق خارجی، مصداق تطبیق داده شده بیشتر از سوی قانون‌گذار تکرار شود. البته تکرار زیاد نباید باعث شود که مورد تطبیقی، اصل و منشأ حکم قلمداد گردد. مثلا تصور کنید قانون‌گذار در ملل غربی ملاک دیه را بازدارندگی از جرم قرار دهد. در این صورت در هر حادثه‌ای اختلاف پیش می‌آید که مقدار بازدارندگی چقدر است؟! لذا باید مقدار ثابتی \_ مثلا ۲۰۰ میلیون \_ را معین کند که در زمان نیاز به آن رجوع شود. در این صورت دیگر در پاسخ از میزان دیه کسی نمی‌گوید به مقداری که بازدارندگی داشته باشد. بلکه سراغ مصداق رفته و می‌گوید ۲۰۰ میلیون مثلا. حال اگر تورم بالا رود و ۲۰۰ میلیون دیگر بازدارندگی نداشته باشد چه باید کرد؟! باید گفت چون قانون‌گذار ۲۰۰ میلیون را مشخص کرده و بیشتر در لسان او این مقدار آمده نباید آن را تغییر داد!! یا اینکه باید رجوع به منشا کرد و بر اساس علت اصلی \_ که بازدارندگی بود \_ مقدار جدیدی را مشخص نمود؟!!

#### اقوال علما

تا کنون ادله‌ی عقلی، نقلی و قرائن را از نظر تان گذرانیدیم. حال نوبت آن رسیده که سری به اقوال علما بزنیم و نظرات آنها را در این مسئله مورد بررسی قرار دهیم.

#### نظر صاحب جواهر (ره)

ایشان در کتاب شریف جواهر الکلام در فصل صلاة مسافر در مورد میزان مسافت شرعی برای قصر صلاة میفرماید شارع دو مقدار برای حد تقصیر بیان نموده یکی «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» و دیگری «بریدان».

پس از آن علت ذکر «بریدان» را اینگونه بیان می‌کنند:

و علی أن مقداره فی الشرع أيضا بریدان اللذان أجمع الأصحاب علی وجوب التقصیر فیها تحصیلا و نقلا کاد یبلغ التواتر، و كأنه لما کان سیر الیوم مختلفا بحسب الأمکنة و الأزمنة و السائرین و دواب السیر و الجد فیہ و عدمه و غیر ذلك - بل ربما حصل فیہ اختلاف أيضا فی تقدیره لو وقع باللیل أو الملقق منه و من النهار، إذ لم یعلم أن المقدار یوم تلك اللیلة أو یوم آخر - قدره الشارع بالبریدین دفعا لهذا الاختلاف بعد أن کانا متقاربین فی الواقع (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ص ۱۹۴)

تعلیل ایشان این است که شارع برای اینکه اختلافی به حسب زمانها و مکانهای مختلف و افرادی که طی مسیر می کنند از نظر سرعت حرکت و . . . ایجاد نشود مقدار مشخصی را برای یک روز راه بیان می کند که بریدان است. و در پایان عبارت هم می فرماید این دو ملاک (مَسِيرَةُ يَوْمٍ و بریدان) در واقع یکی هستند و هیچ فرقی با هم ندارند. و به همین خاطر اگر هر کدام از آنها محقق شود باید نماز را قصر نمود *أما بناءً على ما ذكرنا من أنّها شيء واحد عند الشارع* - فمسیر اليوم عنده عبارة عن قطع بریدین و بالعکس، و متى تحقّق أحدهما تحقّق الآخر في نظره (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۴۵۹)

در زمان مرحوم صاحب جواهر (ره) مانند زمان تشریح هر دو ملاک مصداقاً یکی بودند لذا می شد گفت که هر کدام محقق شود کفایت می کند. اما در زمان ما که این دو ملاک، اختلاف چشمگیری با هم پیدا کرده اند به گونه ای که کاروانهای عمومی در یک روز نه تنها بریدان بلکه حدود ۲۰ برابر آن را طی می کنند نیز می توان چنین نظری داد؟! اگر بخواهیم بر مبنای ایشان استدلال کنیم و به لوازم استدلال ایشان پایبند باشیم باید باز هم هر دو ملاک را منطبق بر هم نماییم تا باز هم بتوان گفت که هر دو برابرند و اگر هر کدام محقق شود قصر واجب می گردد. در اینجا تنها حالتی که می توانیم هر دو ملاک را مانند زمان تشریح با هم برابر کنیم این است که بریدان را تغییر دهیم و با یک روز راه منطبق کنیم و فرض دیگر متصور نیست؛ زیرا یک روز راه، قابلیت کم کردن ندارد!!

پس باید از ایشان به عنوان مؤید و موافق نظریه فوق نام برد.

- نظر شیخ طوسی (ره) (خلاف، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۶۷) - محقق حلی (ره) (السرائر، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۲۸) سید مرتضی (ره). (الانتصار، ۱۴۱۵: ص ۱۶۰)

ایشان ملاک «قصر صلاه» را هشت فرسخ یا بریدان می دانند.

نکته قابل تأمل این است که با اینکه در چندین روایت «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» به عنوان ملاک قصر صلاه آورده شده، هیچکدام از این علما متذکر این بحث نشده اند و نغیا و اثباتاً به آن نپرداخته اند. دلیل مطلب این است که در زمان این علمای بزرگوار، مانند زمان تشریح، ملاک ها از نظر مصداقی یکسان بودند. و به جهت اینکه در مَسِيرَةُ يَوْمٍ اختلاف پیش می آید، در مقام فتوا تنها



ملاکی که در عمل به آن اختلاف پیش نمی آید را بیان کردند. و اجماعی هم که در آن زمان شکل گرفته است، به همین صورت است.

به همین جهت نظرات ایشان و همچنین اجماع فقهای گذشته در این مساله آسیبی به بحث ما نمی زند و نمی توان آن را در مقابل نظر این مقاله دید؛ چراکه موضوع بحث در این دو زمان متفاوت است.

در زمان حاضر، قاطبه ی علمای شیعه شرط تقصیر صلاه را طی هشت فرسخ می دانند که به زعم نگارنده عدول از ظاهر روایت است زیرا روایاتی که گذشت، صریح در این مساله است که ملاک اصلی «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» می باشد و علت عدول از ظاهر روایت، به خاطر تحفظ بر شهرت فتوائیه است.

تذکر: متأسفانه یکی از مشکلات فقه شیعه در زمان ما این است که در اصول ثابت شده است که شهرت فتوائیه هیچگونه دلایلی ندارد. در عین حال جالب است که بعضاً در فقه حجیت آن از احادیث متواتر هم بیشتر شده است و چنان قدرتی پیدا کرده، که بر اساس آن روایات صریح نیز رد یا توجیه می شوند! مع الاسف کسی هم اجازه مخالفت با شهرت فتوائیه را به خود نمی دهد که این خود نوعی تهافت و تناقض در مبانی است؛ به این معنا که چیزی را که در مبنا رد کردیم، در عمل به آن پایبند هستیم!

البته نظریه فوق در زمان حاضر نیز موافقینی دارد:

- آیت الله شبیری زنجانی (رساله توضیح المسائل، ص ۲۶۷):

ایشان از کسانی هستند که در رساله عملیه خود در شرایط شکسته شدن نماز، مسیره یوم را هم در کنار هشت فرسخ بیان می کنند. هرچند که به مسیره یوم فتوا نداده اند لکن احتیاط واجب کرده و فرموده اند: "از شرایط شکسته شدن نماز آن است که سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد و فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر است و همچنین بنابر احتیاط نباید مقدار سفر از مسافتی که به طور متعارف در یک روز پیموده می شود کمتر باشد. امروزه مسیر یک روز حدود ۵۰۰ کیلومتر است. بنابراین نماز مسافر در سفر کمتر از حدود ۴۰ کیلومتر، تمام و در سفر بیش از حدود ۵۰۰

کیلومتر، شکسته است و در بین این دو مسافت بنا بر احتیاط باید بین نماز تمام و شکسته جمع کند."

- آیت الله هادوی تهرانی:

ایشان نیز ملاک اصلی تقصیر صلاه را مَسِيرَةُ يَوْمٍ میدانند. در استفتائات ایشان آمده: بسمه تعالی. معیار سفر شرعی که موجب شکسته شدن نماز یا سقوط وجوب روزه می شود، «یک روز راه» است. مراد «روز» در مقابل «شب» است و بر کوتاه ترین روز نیز صادق است و مقصود از «یک روز راه» مسافتی است که وسائل نقلیه عمومی در مدت یک روز به صورت متعارف طی می کنند. این مسافت در هر زمان براساس ویژگی های وسائل نقلیه عمومی متفاوت می شود. (آیت الله هادوی تهرانی. استفتائات، نماز مسافر)

### نتیجه

با توجه به مطالب گفته شده در پژوهش حاضر نتایج زیر ارائه می شود:

- در این نوشتار تأثیر مبانی کلامی و میزان تأثیر گذاری آن را بر استنباط نمایان کردیم.
- مشخص شد که ملاک اصلی حد تقصیر از نظر شارع «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» است و هشت فرسخ عنوان تطبیقی آن، در زمان شارع می باشد. البته لازم است همانگونه که شارع در زمان خودش این ملاک را تطبیق داده و حدی برای آن مشخص نموده تا اختلاف پیش نیاید، اکنون هم حاکم شرع این وظیفه را انجام داده و عنوان تطبیقی آن را در زمان حاضر مشخص نماید.
- بر اساس تحقیقات ما، تطبیق «مَسِيرَةُ يَوْمٍ» در این زمان حدود ۸۵۰ کیلومتر است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا(ع)، تهران، نشر جهان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی(۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، احکام نماز، نماز مسافر.
۵. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی(۱۴۱۵)، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن(۱۱۰۴)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن(۱۴۰۷)، الخلاف، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طوسی، محمد بن الحسن(۱۳۹۰)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۹. طوسی، محمد بن الحسن(۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی(۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المومنین علی(علیه السلام).
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب(۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامیه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن(۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت- لبنان، دار إحياء التراث العربی.
۱۳. هادوی تهرانی، استفتائات.